

دوشنبه، هفدهم فروردین‌ماه ۱۳۷۴

## گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر رادیو صدای ایرانیان

بامداد روز پنجشنبه، هفدهم فروردین‌ماه، گزارشگر رادیو صدای ایرانیان از لس آنجلس با داریوش فروهر پیرامون رویداد خونین اسلام‌شهر گفتگویی نمود که به‌گونه‌ی زنده پخش گردید و متن آن در زیر آورده می‌شود.

**گزارشگر:** درود بر شما، آقای فروهر عزیز. عرض کنم حضورتان که در درجه‌ی اول می‌خواستم بدانم چه اتفاقی در اکبرآباد رخ داده و اطلاعات شما چیست؟ آیا تعدادی آدم کشته شدند، زخمی شدند، اصولاً یک رپورتاژ نسبتاً دقیقی می‌خواهم از شما در این زمینه به دست آورم.

**داریوش فروهر:** گرچه من گزارشگر رادیویی نیستم؛ اما آنچه شنیده‌ام و بعضی گواهان عینی هم برایم گفته‌اند نقل می‌کنم با یک بازگشتی به گذشته‌ی این ناحیه.

به‌طورکلی شادشهر، که اکنون «اسلام‌شهر» نامیده می‌شود، از فق‌زده‌ترین بخش‌های جنوبی تهران است. دو روستا هم در جنب خود دارد: اکبرآباد و سلطان‌آباد. این‌ها از گذشته دچار دشواری‌های بسیار بوده‌اند که، در این شانزده سال پس از انقلاب، در راستای رفع آن‌ها، هیچ کوششی نشده است؛ به‌فرض، از آب آشامیدنی از راه لوله‌کشی بی‌بهره هستند، به شکلی که آب را با تانکر می‌خرند، چهارصد تومان برای هر تانکر کوچک، نه بزرگ. برای رفع این دشواری‌ها، یکی دو بار هم تا کنون گردهمایی داشته‌اند. در روز سه‌شنبه، باز گرد هم آمدند برای اعتراض به بی‌توجهی که نسبت به آن‌ها و کمبودهایی که دارند می‌شود، به‌ویژه برای آب آشامیدنی؛ و در عین حال اعتراض می‌کردند به افزوده شدن قیمت کرایه‌ی آمدورفت از اسلام‌شهر به مرکز تهران، که تا دو برابر، به‌ویژه مینی‌بوس‌ها و اتومبیل‌های سواری، کرایه‌شان را افزوده بودند. یک تظاهر آرام و همراه با این سخن که اگر به خواست‌های ما رسیدگی نشود راه را می‌بندیم و چنین هم می‌کنند، راهپیمایی و اندکی راهبندان. به‌ناگهان، نیروهای سرکوبگر نظام فرود می‌آیند بر سرشان از زمین و آسمان و می‌بندندشان، نخست، به گاز اشک‌آور و بعد گلوله و شماری کشته و زخمی و شمار بیشتری دستگیر شده‌اند.

درمورد تعداد درست کشته و زخمی یا دستگیرشده‌ها نمی‌توان آگاهی داد. این آگاهی را باید دولت بدهد که دستش باز است و می‌تواند به پزشک قانونی سر بزند، می‌تواند گورستان‌ها را زیر نظر داشته باشد و می‌تواند بیمارستان‌ها را بازدید کند؛ و در یک فضای اختناق‌آمیز، به هیچ وجه، برای سازمان‌های سیاسی یا بیندگانی که دست‌اندرکار نیستند، به دست آوردن یک آمار درست شدنی نیست. هر کس بنا بر گزارشی که از کسی دریافت داشته و یا هر سازمان سیاسی برابر گزارش‌هایی که دریافت کرده آمارهایی داده است. کشته تا ده تا صحبت کرده‌اند تا چهل و چند تا صحبت کرده‌اند، تعداد زخمی‌ها را تا حدود سیصد ذکر کرده‌اند، تعداد دستگیرشدگان را تا پانصد ذکر کرده‌اند؛ و حتی ذکر اینکه از نیروهای سرکوبگر هم ممکن است کسی کشته شده باشد یا شماری زخمی شده باشند گزارش‌هایی به دست آمده است.

به هر حال، آنچه که در این میان بسیار بسیار افسوس‌آور است سرکوب، سرکوب مردمی می‌باشد که، اگر به عقب برگردیم، نقش بسیار برجسته‌ای در انقلاب داشته‌اند و در روی کار آوردن کسانی که اکنون بی‌مهابا دستور سرکوب مردم را می‌دهند.

نمی‌دانم، شاید گزارشش را داشته‌اید که به‌طورکلی کلان‌شهر تهران و حتی بیشتر شهرهای کوچک و بزرگ دیگر از

آغاز سال نو تا بعد از سیزده نوروز در یک اشغال نظامی بود. در تهران بزرگ، هر پنجاه متر، سه تن از نیروهای انتظامی چوبه‌دست و با سلاح آماده‌به‌شلیک ایستاده بودند و خودروهای دسته‌های بسیجی، کمیته‌های امر به معروف و نهی از منکر، و نیز یگان‌های پاسدار ویژه‌ی انقلاب اسلامی گشت می‌زدند؛ و درست روزی که به این بساط به طور نسبی پایان داده شد، در یکی از بخش‌های فقرزده‌ی تهران، این نمایش اعتراض‌آمیز بر پا گردید؛ و با افسوس بسیار، به خون کشیده شد؛ و بی‌شک این تنها ریشه‌اش در نبود آب یا افزودن کرایه‌ی اتومبیل نیست. برنامه‌های غلط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی سردمداران جمهوری اسلامی به‌راستی مردم ایران را به سیه‌روزی انداخته است. به همین دلیل، هر از چندگاه می‌بینید که در یک گوشه‌ای یک خیزش خودجوش پدید می‌آید. من شنیده‌ام پاره‌ای از سازمان‌های سیاسی می‌خواهند که خودشان را پیشگام یا برانگیزنده‌ی چنین نمایش‌های اعتراض‌آمیزی جلوه بدهند. می‌دانید که من خودم افتخار وابستگی یک سازمان سیاسی را دارم؛ ولی آنچه انجام گرفت یک جنبش خودجوش مردم بود؛ و بی‌شک تا این بساط برپاست، این زشت‌کاری‌ها دنباله دارد، این چپاول از دارایی‌های ملی دنباله دارد. از این رویدادها باز هم پدید خواهد آمد.

**گزارشگر:** آقای فروهر، آیا فکر می‌کنید جمهوری اسلامی امکان رفع این مشکلات را در حال حاضر دارد؟

**داریوش فروهر:** من به‌طور کلی بعد از شانزده سال آزمایش‌های تاریخی فکر می‌کنم که جمهوری اسلامی جان‌مایه‌ی کشورداری ندارد. پافشاری بر روی به کار بستن برنامه‌های واپس‌گرایانه، پافشاری بر روی برآوردن خواست‌های همراه با قشریگری، و ناآگاهی از همه‌ی پیشرفت‌های جهان و نداشتن تخصص و حتی آنچه خودشان نامش را گذارده‌اند «تعهد» - برای اینکه از دل آدم دارای تعهد چپاولگر در نمی‌آید - سران جمهوری اسلامی به هیچ وجه توانایی پایان دادن به این وضع را ندارند. به همین دلیل هم هست که یک جنبش برای خواستن مردم‌سالاری در حال شکل‌گیری است؛ و بی‌شک باید که وضع کنونی جایش را به یک سامان مردم‌سالارانه بدهد تا بشود که این دشواری‌ها را رفع کرد.

من در پیام نوروزی‌ای که داشتم گفتم که اکنون ایران دچار بحران سهمگینی است و هنگام تصمیم‌گیری بزرگ. باید از خود به‌درآمد و دست رد بر سینه‌ی نفاق‌افکنان زد و از دور و نزدیک همه با هم یکدله شد و به خیزشی دگرگون‌ساز روی آورد و، با برچیدن بساط یکه‌تازی، سامانی مردم‌سالارانه برپا داشت.

**گزارشگر:** توصیه‌ی شما به سازمان‌های سیاسی در این رابطه چیست، آقای فروهر؟

**داریوش فروهر:** من فکر می‌کنم که همه‌ی سازمان‌های سیاسی باید اختلاف سلیقه‌ها را کنار بزنند؛ توجه داشته باشند که نخست باید ایرانی باشد، نخست باید که در ایران آزادی‌های اساسی مورد قبول قرار بگیرد تا بشود هر کس آرمان خودش را به پیش ببرد. به‌همین دلیل، من فکر می‌کنم که وظیفه‌ی ملی سازمان‌های سیاسی زنده‌داشت همبستگی همگانی و پذیرفتن یک هدف روشن، یعنی برپایی مردم‌سالاری، است.

**گزارشگر:** آقای فروهر، اگر شما امروز بتوانید که رأی بدهید به یک نوع روش سیاسی و رژیم در ایران، ممکن است سه ویژگی مهم آن رژیم را بفرمایید.

**داریوش فروهر:** من نمی‌دانم چطور حصر کردید سه ویژگی؛ ولی فکر می‌کنم که این نوع حکومت باید دارای گنجایش نگاهداشت استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی و عدالت همگانی باشد.

**گزارشگر:** عرض می‌کنم حتماً اطلاع دارید که هم‌اکنون مسئله‌ی ایران و آینده‌ی ایران بین آقای بیل کلینتون و جان میجر، نخست‌وزیر انگلستان، و حسنی مبارک در واشنگتن مطرح هست؛ و آقای بیل کلینتون اطلاع دارید که زمزمه‌ی

این را می‌کند که یک نوع تحریم بازرگانی و اقتصادی روی به اصطلاح جمهوری اسلامی یا ایران پیاده بکند. نظر شما در این زمینه چیست؟

داریوش فروهر: من می‌دانید که ملت‌گرا هستم. در آیین ملت‌گرایی، چندان اعتبار و اعتنایی به اینکه سران کشورهای دیگر برای ملتی دیگر تصمیم بگیرند ندارند. من هم‌همی امیدم برای آینده‌ی ایران به به‌پاخواستگی مردم آن است؛ ولی البته سیاست خارجی غلط دولت جمهوری اسلامی را هم، که بزرگانی از کشورهای دیگر را به دشمنی‌هایی برانگیزد و این دشمنی‌ها خدای ناکرده به مردم ایران آسیب برساند، نمی‌پسندم.

**گزارشگر:** اجازه بدهید برگردم به وضعیت کنونی در ایران. اوضاع آیا در اصفهان، کرمانشاه، همدان و ... این طور که می‌شنویم آشفته است؟

**داریوش فروهر:** همه جای ایران. در مشهد، آنچه که گزارش داشتیم، پیش از نوروز تظاهرات‌های اعتراض‌آمیز بوده که به بردن ماده‌های غذایی و ابزارهای خانگی به بیرون از کشور، به فراسوی مرزها، اعتراض داشتند و برخوردی پدید آمده، به نحوی که این اشغال نظامی در مشهد بیش از همه جا در روزهای نوروزی بود. از کرمانشاه و اصفهان و گوشه‌های دیگر هم گزارش‌هایی پیرامون اعتراض‌های پراکنده می‌رسد؛ و همان طور که گفتم، همه جای ایران آبستن رویدادهایی است - رویدادهای اعتراض‌آمیز؛ چون سیه‌روزی، گرسنگی، برهنگی، بی‌پناهی، نداشتن آموزش و پرورش و به‌طور کلی نگرانی برای فردای زندگی فراگیر است و هم‌همی ایرانیان، جز یک برش کوچک از کسانی که دست در چپاول دارند، در وضع بسیار بدی به‌سرمی‌برند. اما، همان طور که بارها گفته‌ام، من امیدوارم که گذار از وضع کنونی به سوی مردم‌سالاری و سازندگی به یک شکل آرام و دور از کردارهای خشن انجام گیرد. توضیح می‌دهم همین تظاهر مردم اسلام شهر را، اگر با سرکوب روبه‌رو نشده بود، به هیچ وجه به حمله کردن به چند نهاد دولتی یا اتومبیل نمی‌کشید و آن‌ها آرام تظاهرشان را می‌کردند. به همین دلیل امیدوارم، با اینکه کشور آبستن رویدادهای بزرگی است، مردم بتوانند با همدلی و همگامی، نیروهای سرکوبگر و بساط یک‌تازی را پس بزنند.